

سیری در اصلاحات مکرر آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱/۲۵

جعفر شفیعی سردهشت^۱

چکیده

طبق اصل ۶۶ قانون اساسی «ترتیب انتخاب رئیس و هیأت رئیسه مجلس و تعداد کمیسیون‌ها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس به وسیله آیین نامه داخلی مجلس معین می‌گردد». در اجرای این اصل از ابتدای تشکیل مجلس شورای اسلامی تاکنون، دو آیین نامه داخلی در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۷۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. آیین نامه داخلی کنونی مجلس نیز که در سال ۱۳۷۹ به تصویب رسیده است، به دفعات مورد اصلاح و بازبینی مجلس قرار گرفته است. در آیین نامه داخلی کنونی مجلس که از نظر ماهوی باید شامل تمامی موضوعات مربوط به آیین کار مجلس و ارکان آن نظیر هیأت رئیسه، کمیسیون‌ها و رئیس مجلس باشد، علیرغم اصلاحات چندباره‌ای که تاکنون بر روی آن صورت گرفته است، به برخی مسائل اشاره نشده است. حال آنکه در برخی قوانین نظیر قانون اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل ۹۰ با دستگاه‌های دولتی جهت رسیدگی به شکایات مردم به مواردی اشاره شده است که ماهیتاً مربوط به آیین نامه داخلی مجلس هستند.

به هر حال، پیشامد حوادث و مسائل جدید، افزایش تجربیات و آگاهی‌های علمی و عملی در امور مجلس، بروز تغییرات مستمر در نوع و سطح روابط مجلس با سایر قوا به ویژه قوه مجریه باعث شده است که آیین نامه داخلی مجلس تاکنون بارها در معرض بازنگری قرار گیرد که در برخی موارد (به خصوص موارد مربوط به روابط با قوه مجریه) می‌توان آنرا نوعی تغییر راهبرد سیاسی تلقی کرد.

کلید واژگان: مجلس شورای اسلامی، آیین نامه داخلی، اصلاحات مکرر.

مقدمه

آیین‌نامه داخلی مجلس، تعیین‌کننده ساختار، تشکیلات درونی، اساسنامه و شیوه کار مجلس شورای اسلامی است.^۱ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس معطوف به سازمان دهی امور پارلمانی، تعیین روش و آیین کار مجلس و ذکر جزئیاتی است که در حوصله قانونگذار اساسی نیست.^۲ این قانون در برخی موارد، قواعدی را بیان می‌کند که می‌تواند در چارچوب قانون اساسی موجد حق و تکلیف سیاسی برای قوای مقننه، مجریه و حتی قضائیه باشد. این قانون در چارچوب قانون اساسی به تعیین شرایط و نحوه اعمال دو کارویژه مهم مجلس شورای اسلامی یعنی قانونگذاری و نظارت می‌پردازد و جزئیات این دو مهم را مشخص می‌کند. با این وجود، برای جلوگیری از خودسری مجلس و جلوگیری از آسیب‌رسانی به کارکرد سایر دستگاه‌ها، لازم است محدودیت‌های بر استقلال نظام‌نامه‌ای آن وجود داشته باشد.^۳ از ابتدای تشکیل مجلس شورای اسلامی تاکنون، به استناد اصل ۶۶ قانون اساسی دو آیین‌نامه داخلی در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۷۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. آیین‌نامه داخلی کنونی مجلس که در سال ۱۳۷۹ به تصویب رسیده است، به دفعات مورد اصلاح و بازبینی مجلس قرار گرفته است.

گفتار اول: ضرورت‌ها و دلایل اعمال اصلاحات در آیین‌نامه داخلی مجلس

شایان ذکر است که تغییرات آیین‌نامه داخلی مجلس را چه از بعد صلاحیت‌های قانونگذاری مجلس و چه از بعد صلاحیت‌های نظارتی مجلس، نمی‌توان با حوادث و وقایع سیاسی کشور و نحوه ارتباط میان مجلس و قوه مجریه و چالش‌ها و کشمکش‌های به وجود آمده میان آنها، بی‌ارتباط دانست. از اینرو، ارائه یک تحلیل مناسب و جامع از چرایی و چگونگی میزان شدت و ضعف تغییرات به وجود آمده در آیین‌نامه داخلی مجلس، تا اندازه‌ای نیازمند تحلیل جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و سیاسی روابط میان قوای سه‌گانه می‌باشد. آنچه در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است، بررسی اصلاحاتی است که از سال ۱۳۷۸ تاکنون نسبت به آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است.

۱. بهنیا، مسیح(۱۳۸۶)، آشنایی اجمالی با آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات حقوقی، صص ۴-۳
۲. هاشمی، سیدمحمد(۱۳۸۴)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مبانی کلی نظام، نشر میزان، جلد اول، تهران، چاپ ششم، ص ۷۴
۳. قاضی، ابوالفضل(۱۳۷۵)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ ششم، صص ۴۸۱-۴۸۰

۱. پیروزی انقلاب اسلامی و بیزاری مردم از رژیم سابق و نهادهای آن، به این ضرورت دامن زد که می‌بایست با توجه به اهداف اسلامی و آرمان‌های انقلاب، شالوده‌های نظام سیاسی و حقوقی کشور از نو بنیان نهاده شود. این ضرورت باعث شد تا بسیاری از قوانین و مقررات سابق مربوط به وظایف و اختیارات قوای سه‌گانه دچار تغییرات بنیادی گردد. آیین‌نامه داخلی مجلس نیز با توجه به نوپا بودن آن از این قاعده مستثنی نبود. لذا با عنایت به ساختار، ترکیب و صلاحیت‌های جدید مجلس شورای اسلامی که در قانون اساسی برای آن پیش‌بینی شده بود، نیاز به تدوین مقررات داخلی و آیین کار مجلس جهت انجام وظایف و اختیارات و سازماندهی امور خود، بیش از پیش احساس می‌شد.

۲. بروز مسائل و رویدادهای مستحدثه در نحوه کار مجلس، سازماندهی امور داخلی آن و همچنین در چگونگی روابط قوه مقننه با سایر قوا به ویژه قوه مجریه که از یک سو، مسبوق به سابقه نبود و مقررات آیین‌نامه داخلی مجلس در آن خصوص مسکوت بود^۱ و از سوی دیگر، عدم وجود سابقه و رویه عملی در مواجهه با این مسائل و رویدادها باعث بروز اختلافات زیادی میان نمایندگان مجلس با یکدیگر و با هیأت‌رئیس مجلس می‌گردید. به علاوه، اگر این مسائل و رویدادها در خصوص رابطه مجلس با سایر قوا و به ویژه نحوه نظارت بر آنها بود، فقدان مقررات موضوعه در این موارد باعث بروز اختلافات شدیدی میان قوای حکومتی می‌گردید. همچنین، عدم توجه به سازوکارهای تفاهمی و تعاملی میان قوای مجریه و مقننه موجب شده است تا رفتار هر یک از قوا بر دیگری و در نهایت بر کل نظام حقوق اساسی تأثیر منفی بگذارد و کارآمدی آن را مورد تردید قرار دهد. لذا، یکی از آسیب‌های حاکم بر روابط قوا را می‌توان در سیاسی‌سازی قبض و بسط اختیارات آنها دانست.^۲

۳. آیین‌نامه داخلی مجلس نقش بسزایی در انطباق کار مجلس با نیازهای فوری جامعه و کارآمد ساختن هرچه بیشتر آن دارد.^۳ کسب تجربه‌های گوناگون توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی در اثر گذر زمان باعث می‌شود تا به مرور درکی واضح از نقاط ضعف و قوت آیین کار مجلس شورای اسلامی بدست آورند و با بهره‌گیری از آن تجارب بهتر بتوانند درباره چگونگی سازماندهی و تمشیت امور و وظایف خود و مجلس به تجدیدنظر و بازاندیشی

۱. بهنیا، مسیح (۱۳۸۶)، پیشین، ص ۶

۲. انصاری، مجید (۱۳۸۵)، تفکیک و تعامل قوا، در: مهرپور، حسین، رئیس‌جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی، انتشارات اطلاعات، جلد دوم، تهران، چاپ دوم، صص ۲۳۶-۲۳۷

۳. عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳)، در آمدی بر فقه سیاسی: مروری بر کلیات و مبانی حقوق اساسی، انتشارات امیرکبیر،

تهران، چاپ اول، صص ۳۷۶-۳۷۵

پپردازند. البته، نقش هرچند اندک - منافع شخصی یا حزبی نمایندگان و وابستگان خویشاوندی و غیرخویشاوندی آنها را در تصویب قوانین و طرح اصلاحات مکرر، نباید از نظر دور داشت.

۴. یکی دیگر از مهمترین دلایل اصلاحات بی حد و حصر آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی را می توان در رویکرد نمایندگان مجلس به نهاد نمایندگی و وظایف و اختیارات مربوطه است. معمولاً قاطبه نمایندگان به نمایندگی به مثابه یک شغل و حرفه می نگرند. به دیگر سخن، از نظر آنها نمایندگی معطوف به قانونگذاری است و نماینده موظف به مشارکت در فرآیند تدوین و پیشنهاد قوانین است و باید شغل اصلی خود را قانونگذاری بداند. حال آن که، به جرأت می توان گفت که مهمترین کارویژه مجلس، نظارت است.^۱ بدون تردید، در این رویکرد به هیچ عنوان به ضرورت قانونگذاری، شرایط و لوازم آن توجهی نمی شود و نمایندگان مجلس بدون آگاهی کامل از تأثیر قوانین وضع شده، مبادرت به تدوین و تصویب طرح ها و لوایح بی شمار اصلاحی یا تقنینی می نمایند. لذا، این رویکرد مجلس شورای اسلامی را می توان به «قانون زدگی» تعبیر نمود.

۵. فراز و نشیب های به وجود آمده در خلال روابط میان قوای مجریه و مقننه و اختلافات حاصله را می توان یکی از دیگر دلایل اصلاح آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی قلمداد کرد. به عبارت بهتر، نمایندگان مجلس و قوه مقننه هنگامی که در رابطه خود با قوه مجریه به مشکلاتی برخورد می کنند، به جای استفاده از ابزارهای کنترلی مذکور در قانون اساسی که در چارچوب نظام نظارت و تعادل قرار می گیرد، مبادرت به اصلاح و تغییر قانون آیین نامه داخلی کرده و یا در برخی موارد، موادی را در این راستا به آن می افزایند. لذا، انجام وظیفه و کارکرد نظارتی خود را از طریق قانونگذاری پیگیری می نمایند. نمونه بارز این امر ماده ۲۳۳ آیین نامه داخلی مجلس^۲ است که به موجب ماده (۲۹) قانون اصلاحی مصوب ۱۳۸۷ به عنوان ماده الحاقی

۱. در خصوص وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی رجوع کنید به: هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: حاکمیت و نهادهای سیاسی، نشر میزان، جلد دوم، تهران، چاپ هفتم

۲. هرگاه حداقل دهنفر از نمایندگان و یا هرکدام از کمیسیونها، عدم رعایت شئون و نقض یا استتکاف از اجراء قانون یا اجراء ناقص قانون توسط رئیس جمهور و یا وزیر و یا مسئولین دستگاههای زیرمجموعه آنان را اعلام نمایند، موضوع بلافاصله از طریق هیأت رئیسه جهت رسیدگی به کمیسیون ذی ربط ارجاع می گردد. کمیسیون حداکثر ظرف مدت دهر روز موضوع را رسیدگی و در صورت وارد بودن با اظهار نظر صریح، گزارش خود را از طریق هیأت رئیسه به مجلس ارائه می دهد.

تبصره ۱- چنانچه نظر مجلس بر تأیید گزارش باشد موضوع جهت رسیدگی به قوه قضائیه و سایر مراجع ذیصلاح ارسال می شود تا خارج از نوبت و بدون تشریفات دادرسی رسیدگی نمایند.

تبصره ۲- در صورتی که مجلس در مورد رئیس جمهور یا هریک از وزیران سه نوبت رأی به وارد بودن گزارش بدهد طرح استیضاح در صورت رعایت مفاد اصل هشتماد و نهم (۸۹) قانون اساسی در دستورکار مجلس قرار خواهد گرفت.

(۱) تصویب شد و بنا به تجویز ماده (۳۶) قانون اصلاحی مذکور با تصمیم هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی شماره ماده فوق (۲۳۳) تعیین گردید. این ماده را می‌توان خارج از نظام نظارت و تعادل ترسیمی در قانون اساسی قلمداد نمود.

۶. در حقوق عمومی، اصل صلاحیت یکی از اصول مهم محسوب می‌شود. لذا تمامی نهادها و سازمان‌های دولتی می‌بایست بر مبنای قواعد و ضوابط از پیش مستقر با عنوان قانون به فعالیت پردازند. برخلاف حقوق خصوصی که در آن اصل آزادی اراده حاکم است در حقوق عمومی اصل عدم صلاحیت حکم‌فرما است. لذا اگر در خصوص حدود و مرزهای صلاحیتی نهادها و مقامات دولتی، قوانین موضوعه مسکوت باشند، در موارد تردید، نهادها و مقامات مزبور فاقد صلاحیت محسوب می‌شوند. بنابراین، قانونمند سازی موارد سکوت آیین‌نامه داخلی و رویه‌ها و عرف‌های عملی مرسوم در مجلس، برای جلوگیری از اختلافات و سوء استفاده‌ها می‌تواند بسیار سودمند افتد.

گفتار دوم: فهرست قوانین منسوخ مرتبط با آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

۱. آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۲/۱۸ مجلس شورای اسلامی مشتمل بر سیزده فصل و ۱۸۷ ماده؛
۲. قانون الحاق موادی به آیین‌نامه داخلی راجع به تقاضای رای اعتماد و نحوه برگزاری آن مصوب ۱۳۶۳/۵/۹ مجلس شورای اسلامی؛
۳. قانون اصلاح ماده ۴۲ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۳/۸/۱۷؛
۴. قانون اصلاح برخی از مواد آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۳/۱۱/۱۱؛
۵. قانون اصلاح ماده ۶۹ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۴/۷/۱۴؛
۶. قانون اصلاح ماده ۸۹ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۵/۱/۱۷؛
۷. قانون اصلاح مواد ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۹ و ۱۳۲ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۶/۱۰/۲۷؛
۸. طرح عدم لزوم اجرای مفاد ماده ۱۴۵ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۷/۴/۲۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
۹. قانون اصلاح ماده ۴۳ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۷/۹/۲۳؛
۱۰. قانون اصلاح ماده ۱۳۷ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۸/۴/۲۰؛
۱۱. قانون اصلاح بعضی از مواد آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و حذف موادی از آن مصوب ۱۳۶۸/۵/۲۶؛

۱۲. قانون الحاق یک تبصره به عنوان تبصره ۲ به ماده ۴۳ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۸/۸/۱۶؛
۱۳. قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۶ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۹/۱۲/۸؛
۱۴. قانون اصلاح ماده ۱۲۹ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱؛
۱۵. قانون اصلاح تبصره الحاقی به ماده ۱۰۶ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۳؛
۱۶. قانون اصلاح ماده ۳۵ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۱/۳/۲۶؛
۱۷. قانون اصلاح موادی از آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۱/۹/۲۲؛
۱۸. قانون حذف تبصره ۲ ماده ۱۴۹ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و الحاق ۴ تبصره به آن مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۹؛
۱۹. قانون اصلاح ماده ۷۲ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و تبصره آن مصوب ۱۳۷۲/۵/۲۰؛
۲۰. قانون اصلاح موادی از آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۲/۹/۲۳؛
۲۱. قانون مستثنی بودن مصوبات مربوط به آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی از موضوع ماده ۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۷؛
۲۲. قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۴۶ و یک تبصره به ماده ۱۴۸ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۳/۲/۴؛
۲۳. قانون الحاق یک تبصره به ماده ۷۴ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱؛
۲۴. قانون اصلاح ماده ۱۰۶ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۷/۱۹؛
۲۵. قانون الحاق یک تبصره به ماده ۴۲ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۹/۱۴.

گفتار سوم: آیین نامه داخلی کنونی مجلس و موارد اصلاح آن

۱. قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۷۹/۱/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام که طبق ماده ۲۴۲ آن، تمامی قوانین و مقررات سابق آیین نامه داخلی مجلس از درجه اعتبار ساقط شدند. از جمله تغییراتی که در طرح آیین نامه داخلی مجلس پیشنهاد شده بود، عبارت بودند از: ایجاد انسجام موضوعی بیشتر در آیین نامه داخلی مجلس؛ تغییر در نحوه بررسی اعتبارنامه نمایندگان و تعداد و وظایف کمیسیون‌ها؛ بازنگری

وظایف هیأت‌رئیس مجلس، سازمان و تشکیلات اداری مجلس، وظایف مربوط به شورای نگهبان در ارتباط با مجلس و وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام در ارتباط با مصوبات مجلس.

۲. قانون اصلاح ماده ۲۱۳ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹/۹/۲۰

ماده ۲۱۳ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس مربوط به ترکیب و وظایف کمیسیون تلفیق مجلس پیرامون لوایح بودجه و برنامه‌های توسعه بود که تعداد اعضای دیگر کمیسیون‌های مجلس بجز کمیسیون تحقیق و تفحص و تدوین آیین‌نامه را از یک نفر به دو نفر افزایش داد.

۳. قانون اصلاح ماده ۵۸ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۰/۳/۲۷

ماده ۵۸ سابق مربوط به نحوه تشکیل کمیسیون مشترک در مواردی بود که موضوعی ارتباط اساسی به چند کمیسیون داشت. از آنجا که در این ماده تعداد اعضای کمیسیون مشترک و نحوه انتخاب آنها مسکوت بود، طبق قانون اصلاحی تعداد اعضای کمیسیون ۲۳ نفر تعیین گردید. انتخاب اعضای کمیسیون مشترک به کمیسیون‌های مربوطه سپرده شد و سهمیه هر یک از کمیسیون‌ها نیز به تشخیص هیأت‌رئیس واگذار گردید.

۴. تجدید نظر در ماده ۱۹۸ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۰/۴/۹ مجمع

تشخیص مصلحت نظام

طبق ماده ۱۹۸ سابق که در خصوص تحقیق و تفحص مجلس بود، دستگاههایی که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری هستند و مجلس خبرگان رهبری و شورای نگهبان از شمول تحقیق و تفحص خارج شده بود. مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از استمراج از مقام معظم رهبری مجوز تجدید نظر در مصوبه خود را دریافت نمود و عبارت «به استثنای دستگاههایی که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری هستند و مجلس خبرگان رهبری و شورای نگهبان» از متن ماده حذف شد. به ماده اصلاحی عبارت «و با توجه به تفسیر شورای نگهبان در مورد اصل مذکور» پس از «در اجرای اصل ۷۶ قانون اساسی» اضافه شد. همچنین تبصره ۳ با این مضمون که «تحقیق و تفحص در مورد آن دسته از نهادها و دستگاههایی که تحت امر مستقیم مقام معظم رهبری هستند با اذن معظم‌له انجام می‌شود» به متن ماده الحاق گردید.

۵. قانون الحاق یک ماده به آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۲/۳/۲۵ در

خصوص همه پرسى

طبق این ماده الحاقی که به عنوان ماده ۲۰۷ با پنج تبصره به آیین‌نامه داخلی مجلس الحاق گردید، مقرر شد برای بررسی تقاضای همه پرسى موضوع اصل ۵۹ قانون اساسی، کمیسیون ویژه‌ای مرکب از یازده نفر از نمایندگان با رأی مستقیم مجلس شورای اسلامی تشکیل گردد. در این ماده نحوه و چگونگی به رأی گذاردن همه پرسى و اعلام نظرات موافقین و مخالفین پیش‌بینی گردید.

۶. قانون اصلاح موادی از آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۴

مهمترین اصلاحات انجام شده توسط این قانون عبارتند از:

- جایگزینی ماده‌ای جدید به جای ماده ۱۲۶ آیین‌نامه که به موجب آن اگر نتیجه اخذ رأی با قیام و قعود، بلافاصله مورد تردید دو نفر از منشیان قرار گیرد و یا ۱۵ دقیقه پس از اعلام رأی مورد تردید ۲۵ نفر از نمایندگان مجلس قرار گیرد، بدون بحث، با ورقه در مورد تردید رأی گیری می‌شود و در صورتی که نصف بعلاوه یک نفر نمایندگان حاضر به درخواست تردید کنندگان رأی دهند، نتیجه آن ملاک عمل خواهد بود. در ماده جدید فرآیند اعلام تردید و نحوه تصویب آن واضح تر شده است.

- اصلاح ماده ۲۱۴ و حذف مواد ۲۱۵ الی ۲۲۲ آیین‌نامه داخلی مجلس: ماده اصلاحی و مواد محذوف پیرامون فرآیند و نحوه رسیدگی به برنامه‌های توسعه توسط نمایندگان مجلس، کمیسیون‌های تخصصی و کمیسیون تلفیق است. طبق قانون اصلاحی، اولاً رسیدگی به لوایح برنامه، یک شوری است، ثانیاً فرآیند بررسی لایحه برنامه کوتاه شده و دوره زمانی رسیدگی تقریباً به کمتر از نصف تقلیل یافت و ثالثاً آیین رسیدگی به لایحه برنامه مختصرتر و شفاف‌تر گردید.

۷. قانون اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۷/۹/۲۶

مهمترین اصلاحات انجام شده توسط این قانون:

- طبق ماده ۲ قانون اصلاحی، بند ۳ ماده ۲۳ آیین‌نامه داخلی مجلس اصلاح گردیده و تعیین حقوق مالی نمایندگان کاملاً به هیأت‌رئیس مجلس واگذار شده است. در حالی که در ماده سابق، تعیین حقوق مالی نمایندگان با مشارکت آنها صورت می‌پذیرفت که به نظر می‌رسد مانع اعمال فشار از سوی هیأت‌رئیس مجلس بر نمایندگان می‌شد. ماده به صورتی که اصلاح شده است می‌تواند باعث شود تا هیأت‌رئیس تسلط بیشتری بر نمایندگان مجلس که می‌بایست تبلور واقعی اراده مردم باشند، اعمال نماید.

- به موجب ماده ۶ قانون اصلاحی، ماده ۳۳ آیین‌نامه داخلی، اصلاح و دو تبصره به آن الحاق گردید: در ماده سابق صرفاً به تشکیل کمیسیون اصل نود و نحوه کار آن وفق قوانین مربوط به آن کمیسیون اشاره شده بود. در ماده اصلاحی، تعداد اعضای کمیسیون و نحوه انتخاب آنها و ساختار هیأت‌رئیس آن مشخص شده است. لازم به ذکر است که طرز کار کمیسیون اصل نود، نحوه شکل‌گیری آن و جزئیات کار این کمیسیون می‌بایست از نظر موضوعی در آیین‌نامه داخلی مجلس ذکر می‌شد. اما در این خصوص قوانین جداگانه و متعدد دیگری به تصویب مجلس رسیده است که بایسته بود ذیل عنوان کمیسیون اصل نود در قانون آیین‌نامه داخلی مجلس آورده شود.^۱

۱. این قوانین عبارتند از:

- طبق ماده ۶ قانون اصلاحی، بند ۳ ماده ۳۳ اصلاح شد و رسیدگی اولیه به سؤال نمایندگان از رئیس جمهور و وزیران در صلاحیت کمیسیون‌های تخصصی مجلس قرار گرفته است.
- طبق ماده ۷ قانون اصلاحی، یک ماده به آیین‌نامه داخلی مجلس در خصوص تشکیل کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور برای انجام وظایف محوله در محدوده سیاست داخلی، شوراها، امور غیر عمرانی شهرداری‌ها و ثبت احوال الحاق گردید.
- طبق ماده ۹ قانون اصلاحی، ماده ۶۰ و تبصره آن اصلاح گردید. به موجب این اصلاح، مسئولیت و اختیار کلیه امور اجرایی مجلس که قبلاً بر عهده هیأت‌رئیس بود به رئیس مجلس واگذار شد. همچنین تدوین اساسنامه سازمان‌ها و تعیین نظام مالی و ساختار تشکیلات مربوط به مجلس نیز به کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس واگذار شد. از جمله نکات مثبت این ماده می‌توان به این موضوع اشاره کرد که مسئولیت تنظیم ساختار تفصیلی و تشکیلات مجلس را که در قانون سابق طبق قوانین خاص صورت می‌گرفت بر عهده کمیسیون تدوین آیین‌نامه گذاشت. امری که با توجه به تخصص این کمیسیون در زمینه سازمان‌آداری مجلس و نحوه کار آن، شایسته به نظر می‌رسد.
- طبق ماده ۱۷ قانون اصلاحی، ماده ۱۴۳ آیین‌نامه داخلی اصلاح گردید. بر این اساس، بررسی و تصویب کلیه طرح‌ها و لوایح برخلاف ماده سابق که دو شوری بود، یک شوری گردید مگر در مواردی که در آیین‌نامه مشخص شده یا هیأت‌رئیس بررسی دو شوری آن را ضروری بداند. به نظر می‌رسد از آنجا که لوایح و طرح‌های مصوب مجلس معمولاً تأثیرات زیادی بر روابط میان افراد و افراد با دولت می‌گذارد و از این رهگذر حقوق و تکالیفی را برای هر یک به وجود می‌آورد، ضرورت دقت نظر در این امر ایجاب می‌کند که این ماده تغییر نکند و کما فی السابق به کلیه طرح‌ها و لوایح دو شوری رسیدگی می‌شد مگر در موارد تصریح شده در آیین‌نامه داخلی مجلس.
- طبق ماده ۲۳ اصلاحی، ماده ۱۹۳ آیین‌نامه داخلی اصلاح و ماده ۱۹۴ حذف گردید. طبق این ماده نحوه رسیدگی به سؤال از وزیر دچار تغییر شد و سؤالات نمایندگان به ملی و منطقه‌ای تقسیم

- قانون اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل ۹۰ با دستگاه‌های دولتی جهت رسیدگی به شکایات مردم مصوب ۱۳۵۹/۱۱/۱؛
- قانون الحاق یک تبصره به این قانون مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۸ که به موجب آنها وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و بنیادها می‌بایست به مکاتبات کمیسیون اصل ۹۰ ظرف مدت زمانی مشخص پاسخ دهند که در غیر این صورت به مجازات حبس و انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌شوند؛
- قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۹/۲۲ که در آن تعیین تشکیلات کمیسیون را به آیین‌نامه داخلی ارجاع داده است و آنگاه به وظایف و اختیارات کمیسیون پرداخته است؛
- قانون نحوه گزارش کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۶/۹/۲۶ که وفق آن، گزارشهای کمیسیون اصل ۹۰ پس از ارائه به هیأت‌رئیس بدون رعایت نوبت در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد و در اولین جلسه علنی قرائت می‌شود.

گردید. فرآیند طرح سؤال ملی در صحن علنی مجلس آسان‌تر از سؤال منطقه‌ای شده است. هر چند این ماده به دنبال روشمند ساختن فرآیند سؤال از وزیران است اما با تقسیم بندی مذکور تا حدودی حق سؤال نمایندگان از وزرا را مورد تحدید قرار داده است.

- به موجب ماده ۲۴ اصلاحی، ماده ۱۹۵ آیین‌نامه داخلی اصلاح شد. بر این اساس، چنانچه در هر دوره مجلس، سه بار با رأی اکثریت نمایندگان حاضر، سؤالات نمایندگان از هر وزیر وارد تشخیص داده شود طرح استیضاح وزیر در صورت رعایت مفاد اصل ۸۹ قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی در دستور کار مجلس قرار خواهد گرفت. به نظر می‌رسد ماده اصلاحی مرزهای تفکیک قوا را در روابط میان قوه مجریه و مقننه مخدوش کرده است زیرا، هر چند می‌توان از لحاظ منطقی، طرح استیضاح را دنباله عملی عدم ارائه پاسخ مناسب به سؤالات نمایندگان مجلس دانست اما استیضاح حقی مختص به نمایندگان مجلس است و خود آنها می‌بایست موارد مربوط به آن را تشخیص دهند. بنابراین تصریح به فرآیند مذکور برای اینکه استیضاح در دستور کار قرار گیرد، خلاف حق نمایندگان در تشخیص است.

- طبق ماده ۲۶ قانون اصلاحی، ماده ۱۹۹ آیین‌نامه داخلی اصلاح گردید. نکته شایان توجه در این اصلاح این است که مقرر شده است در صورتی که جلسه مشترک هیأت تحقیق و تفحص و کمیسیون تخصصی تخلفات، موضوع مورد تحقیق و تفحص را مهم و مسئول دستگاه یا سازمان را مقصر تشخیص دهد، طرح استیضاح وزیر مربوطه در صورت رعایت مفاد اصل هشتم (۸۹) قانون اساسی در دستور کار مجلس قرار خواهد گرفت. با توجه به استدلال صورت گرفته در بند پیشین این امر خلاف قانون اساسی به نظر می‌رسد.

- به موجب ماده ۲۸ قانون اصلاحی، ماده ۲۲۴ آیین‌نامه داخلی مجلس اصلاح گردید و مقرر شد که دولت لایحه بودجه سالانه کل کشور را حداکثر تا پانزدهم آذرماه هر سال به مجلس تسلیم نماید. این اصلاح با عنایت به اصل ۵۲ قانون اساسی و برای جلوگیری از اختلال در امور بودجه‌ای کشور بسیار مفید است.

- طبق ماده ۲۹ اصلاحی، ماده ۲۳۳ آیین‌نامه این گونه اصلاح شد که هرگاه حداقل ده نفر از نمایندگان و یا هر کدام از کمیسیون‌ها، عدم رعایت شئونات و نقض یا استتکاف از اجراء قانون یا اجراء ناقص قانون توسط رئیس جمهور و یا وزیر و یا مسئولان دستگاه‌های زیرمجموعه آنان را اعلام نمایند، موضوع بلافاصله از طریق هیأت‌رئسه جهت رسیدگی به کمیسیون ذی‌ربط ارجاع می‌گردد. اگر کمیسیون موضوع را وارد بداند و مجلس نیز تأیید کند، گزارش‌هایی به قوه قضائیه برای رسیدگی بدون تشریفات و خارج از نوبت ارسال می‌شود و در صورتی که چنین گزارشی سه مرتبه وارد تشخیص داده شود، طرح استیضاح با رعایت اصل ۸۹ قانون اساسی در دستور کار قرار می‌گیرد. نکاتی را که می‌توان در این خصوص بیان کرد عبارتند از: اولاً در ماده مزبور عنوان «عدم

رعایت شئونات» مفهومی کاملاً مبهم و مناقشه برانگیز است ثانیاً عدم رعایت شئونات چه عنوان مجرمانه‌ای می‌تواند در برداشته باشد تا گزارش آن به قوه قضائیه ارسال شود. ثالثاً در خصوص استنکاف رئیس جمهور، دیوان عالی کشور طبق قانون اساسی حق رسیدگی دارد. رابعاً، در خصوص وزرا و سایر کارمندان دولت نیز قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مجازات قانونی آنها را مشخص کرده است. خامساً، وارد بودن سه باره گزارش و طرح استیضاح، خلاف حق اختصاصی نمایندگان در تشخیص موارد و دلایل استیضاح رئیس جمهور و وزیران است.

گفتار چهارم: طرح‌های مربوط به آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در مجلس هشتم

۱. طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۲۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

۲. طرح اصلاح موادی از آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۱۲ اعلام وصول شد و در مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۶ به کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس ارجاع شد که این کمیسیون به تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱۷ گزارش خود را جهت طرح در صحن علنی مجلس ارائه کرد. این طرح اکنون در دستور کار مجلس قرار دارد.

لازم به ذکر است که کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مستنداً به تبصره یک ماده ۱۴۵ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، طرح الحاق یک تبصره به ماده ۲۰، طرح اصلاح ماده ۱۱۵ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در خصوص بیانیه‌ها، طرح اصلاح ماده ۱۶۵ آیین‌نامه داخلی و طرح اصلاح بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده ۲۱۴ را در دستور کار خود قرار داده است. از دلایلی که می‌توان برای مد نظر قرار دادن طرح‌های اصلاحی دیگر در این طرح ذکر کرد، این است که علاوه بر ارتباط موضوعی و منطقی طرح‌های مزبور با یکدیگر، جلو اصلاحات مکرر و مقطعی و جزئی آیین‌نامه مجلس گرفته شود و انسجام کل مجموعه از بین نرود و منطبق میان مقررات آیین‌نامه حفظ شود.

۳. طرح اصلاح موادی از آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۲ با قید دو فوریت اعلام وصول شد، اما دو فوریت آن به تصویب مجلس نرسید و مقرر شد به طور عادی در کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس بررسی شود. طرح مزبور به تاریخ ۱۳۸۷/۴/۱۰ به کمیسیون پیش‌گفته ارجاع شد و تاکنون به صحن علنی مجلس نیامده است.

۴. طرح یک فوریتی اصلاح بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده ۲۱۴ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی که به تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۷ اعلام وصول گردید، اما یک فوریت آن در مجلس رد شد و در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۴ به کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس ارجاع شد.

۵. طرح الحاق یک تبصره به ماده (۱۹۲) آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی با قید یک فوریت مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۷ اعلام وصول شد. این طرح به تاریخ ۱۳۸۹/۳/۲۶ رد گردید. ضرورت طرح الحاق یک تبصره به ماده ۱۹۲ این است که گاهی اوقات نمایندگان مجلس، ضرورت ارائه تذکر شفاهی به مسئولان اجرایی کشور را تشخیص می دهند اما آیین نامه داخلی مجلس در این خصوص مسکوت است. رویه کنونی مجلس در مطرح ساختن تذکرات شفاهی مجلس با استناد به ماده ۱۸۲ و بند ۱۱ ماده ۲۳ آیین نامه داخلی صورت گرفته است. موادی که ظاهراً نمی تواند مستند قانونی محکمی برای طرح تذکر شفاهی از سوی نمایندگان مجلس محسوب شود. لازم به ذکر است که ماده مزبور قبلاً در آخرین اصلاحات آیین نامه داخلی مجلس مورخ ۸۷/۹/۲۶ مورد اصلاح قرار گرفته بود.
۶. طرح اصلاح ماده ۶۰ آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی که به تاریخ ۱۳۸۸/۹/۲۵ با قید یک فوریت به تصویب رسید. کمیسیون تدوین آیین نامه داخلی مجلس در گزارش مورخ ۱۳۸۹/۲/۲۲ به مجلس شورای اسلامی با اشاره به جلسات مختلف بحث و بررسی طرح مزبور اعلام نمود که طرح مزبور مورد تصویب واقع نشد و به دلیل مغایرت با سایر مواد آیین نامه داخلی رد گردید. این طرح هم اکنون بایگانی شده است.
۷. طرح اصلاح مواد ۲۱۳ و ۲۱۶ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی که به تاریخ ۱۳۸۹/۲/۱۸ با قید دو فوریت اعلام وصول شد ولی سرانجام در تاریخ ۱۳۸۹/۳/۲ رد گردید.
۸. طرح اصلاح ماده ۱۱۵ آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در خصوص بیانیه ها که در تاریخ ۱۳۸۹/۲/۲۹ اعلام وصول شد و در تاریخ ۱۳۸۹/۳/۵ به کمیسیون تدوین آیین نامه داخلی مجلس ارجاع گردید. لازم به ذکر است که در توجیه طرح مزبور به تأثیر گذاری نظرات و موضع گیری نمایندگان مجلس بر افکار عمومی و شاغلین در نهادهای دولتی اشاره شده است و به منظور حفظ حرمت امضاها و دیدگاه های نمایندگان که در قالب بیانیه ها از سوی مجلس بیان می شود، این طرح پیشنهاد شده است. تنها فرق عمده این طرح با ماده ۱۱۵ آیین نامه داخلی، علاوه بر امضای نمایندگان، تصویب بیانیه از سوی مجلس است که می تواند بیانگر موضع رسمی قوه مقننه نیز محسوب شود.
- از نکات جالب در این طرح این است که ماده مزبور به موجب قانون اصلاح موادی از قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۸۷/۹/۲۶ از سوی نمایندگان مجلس هشتم اصلاح شده بود.
۹. طرح الحاق یک تبصره به ماده ۲۲۰ قانون آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی که به تاریخ ۱۳۸۹/۷/۲۰ با قید یک فوریت اعلام وصول گردید، به کمیسیون تدوین آیین نامه داخلی مجلس ارجاع شد. در این طرح ذکر شده است از آنجا که استیضاح وزیران موضوع اصل ۸۹

قانون اساسی از جمله مؤثرترین ابزارهای نظارتی مجلس است، لذا شایسته است که نمایندگان مجلس در استفاده از این ابزار نهایت دقت را داشته باشند تا در اثر مداخله‌های مقامات اجرایی از طریق اعمال فشار بر نمایندگان و دیگر محظورات، نمایندگان را برای پس گرفتن امضای خود تحت فشار قرار ندهند. در این طرح پس از اعلام وصول و قرائت استیضاح، انصراف و استرداد آن با درخواست ده نفر از امضاکنندگان و تصویب مجلس امکان پذیر خواهد بود.

۱۰. طرح یک فوریتی اصلاح ماده ۱۶۵ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی که به تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۵ اعلام وصول گردید ولی فوریت آن به تصویب مجلس نرسید و در تاریخ ۱۳۹۰/۱/۲۳ به کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس ارجاع شد. از جمله دلایل توجیه پیشنهاد این طرح می‌توان به حفظ حقوق نمایندگان و دولت در تصویب طرح‌ها و لوایح دو فوریتی و در اختیار گذاردن حداقل فرصت کار کارشناسی برای نمایندگان اشاره کرد. از اینرو بررسی طرح در کمیسیون‌های تخصصی انجام خواهد شد. شایان ذکر است که این ماده قبلاً به موجب ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون آیین‌نامه داخلی مصوب ۱۳۸۷ اصلاح شده بود.

۱۱. طرح الحاق یک تبصره به ماده ۵ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی که به تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱۰ اعلام وصول گردید و در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۲۱ به کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس جهت بررسی ارجاع شد.

نتیجه

آیین‌نامه داخلی مجلس به مثابه قانون اساسی و اساسنامه مجلس علاوه بر اینکه می‌تواند به قانونمندی‌سازی هرچه بیشتر فرآیندهای این نهاد کمک قابل توجهی نماید، جزئیات تعامل با سایر قوا و تفصیل نظام نظارت و تعادل مذکور در قانون اساسی را نیز مشخص می‌سازد. از اینرو، ضرورت هرچه منسجم‌تر بودن و کارآمدتر بودن مقررات آیین‌نامه داخلی مجلس امری است که بر هیچ صاحب نظری پوشیده نمی‌ماند. آیین‌نامه داخلی مجلس از نظر ماهوی باید شامل تمامی موضوعاتی که مربوط به آیین کار مجلس و ارکان آن نظیر هیأت‌رئیس، کمیسیون‌ها و رئیس مجلس است، باشد. لذا برخی قوانین نظیر قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون نحوه گزارش کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی و قانون اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل ۹۰ با دستگاه‌های دولتی جهت رسیدگی به شکایات مردم که ماهیتاً مربوط به طرز کار و نحوه رسیدگی کمیسیون اصل نود است، می‌بایست در قانون مربوطه آن که همان آیین‌نامه داخلی مجلس است، گنجانده شود. از اینرو، به نظر می‌رسد تصویب چنین قوانینی خلاف اصل ۶۶ قانون اساسی باشد که به بیان فرآیند تصویب آیین‌نامه داخلی و مفاد آن پرداخته است. به علاوه قانون نحوه اجراء اصل ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی و الحاقات بعدی آن، از نظر موضوعی کاملاً مرتبط با وظایف و اختیارات رئیس مجلس است، لذا ذکر این وظایف در قوانینی غیر از آیین‌نامه داخلی مجلس محل تأمل است. همانطور که در این مقاله بیان گردید، طرح‌های اصلاحی زیادی در رابطه با قانون آیین‌نامه داخلی مجلس از سوی نمایندگان مجلس هشتم پیشنهاد شده است. یکی از دلایل این امر را می‌توان وجود دغدغه‌های مختلف و متفاوت نمایندگان مجلس و عدم هماهنگی میان آنها دانست. همچنین، بروز اختلافات در سال‌های اخیر میان مجلس هشتم و دولت را می‌توان یکی از زمینه‌های طرح این گونه اصلاحات به شمار آورد. در پایان، شایان ذکر است یکی از ابزارهای بسیار سودمندی که می‌تواند در ارزیابی میزان کارآمدی طرح‌ها و لوایح به کار آید، «نظام ارزیابی آثار مقررات‌گذاری» است. بر این اساس، هیچ مصوبه‌ای بدون ارزیابی دقیق انواع آثار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... بر جامعه و گروه‌های مختلف تصویب نمی‌شود. زیرا، قانونگذاری یک امر تخصصی است که با استفاده از ضوابط کیفی مانند شفافیت متن، مفید بودن به حال غالب مشمولان، داشتن هزینه اندک و منافع زیاد، بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی و پژوهشی، می‌تواند نقش بسزایی در کارآمدی و اثربخشی قوانین داشته باشد. بنابراین، با بکارگیری این ابزار می‌توان در کنار ملاحظات کارشناسانه و سیاسی، به برآورد هزینه-فایده طرح‌های پیشنهادی پرداخت و از ارائه مکرر طرح‌ها و لوایح اصلاحی جلوگیری نمود و به کارآمدی و تأثیرگذاری نظام تقنینی کشور کمک شایانی کرد.

منابع

۱. انصاری، مجید (۱۳۸۵)، تفکیک و تعامل قوا، در: مهرپور، حسین، رئیس جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی، انتشارات اطلاعات، جلد دوم، تهران، چاپ دوم.
۲. بهنیا، مسیح (۱۳۸۶)، آشنایی اجمالی با آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات حقوقی.
۳. عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳)، در آمدی بر فقه سیاسی: مروری بر کلیات و مبانی حقوق اساسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول.
۴. فریادی، مسعود (۱۳۸۹)، سازوکارهای حقوقی ارزیابی آثار مقررات‌گذاری در نظام حقوقی ایران، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، چاپ اول.
۵. قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۵)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ ششم.
۶. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: حاکمیت و نهادهای سیاسی، نشر میزان، جلد دوم، تهران، چاپ هفتم.
۷. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مبانی کلی نظام، نشر میزان، جلد اول، تهران، چاپ ششم.